

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد سرور رنا
از مونیخ، المان

دایه های مهربانتر از مادر

چند روز قبل از ورای دستگاه نشراتی بی بی سی بیانیه و مصاحبه های چند وزیر کابینه انگلیس را که باسکلیت بدون گوشت و پوست بعضی از وطنداران بیچاره ما درباره اوضاع پاشیده و تاتر بار کشور افغانستان که حاصل سیاستهای مغرضانه و اشغالگرانه و مداخله جویانه و ظالمانه خود همین اشغالگران انگلیس و ایالات متحده امریکا میباشد که با فعالیت و تردستی کارکنان رادیو بی بی سی ترتیب یافته بود، شنیدیم و از خلال گفتار هریک از جناب وزیر صاحبان خارجه و دفاع و مالیه انگلیس که بامهارت و بیان کلمات مقبول و جملات زیبا اظهار داشته و در آن باره اشک تمساح میریختند چنان استنباط میگردید که هریک از آنها برای افغانستان جنگ زده و در حال تباهی و بربادی که خود همین سیاه دلان بیعاطفه به راه انداخته و هر روز بر آتش آن بطول میباشند دایه های مهربانتر از مادر میباشند. در ضمن این بیانات از یکطرف می گفتند افغانستان طوری کمک و مجهز شود که از نظر تربیه نظامی و پولیس به تأمین امنیت بپردازد. در اقتصاد باید به پای خود بایستد در زراعت خود کفء شود در تولید برق چون آبهای خروشان فراوان دارند چنان مجهز شوند که برق اضافی را به همسایگان صادر نمایند در ساحه علم و دانش و تخنیک جوانان آن طوری تربیه و آماده خدمت گردد که از کمک خارج بی نیاز باشند.

از جانب دیگر در اظهار جواب به سوال کنندگانیکه اصلاً وجود خارجی نداشته و معلوم میگردید که بعداً ترتیب یافته است با مهارت و زرنگی، مهربانی ظاهری و کینه باطنی که شیوه مستبدین مخصوصاً انگلستان میباشد در موارد اعمال گذشته و حالیه که بر اساس اهداف و مقاصد سیاسی خود انجام داده اند روشنی می انداختند و آنها را به اساس حسن نیت و به خیر افغانستان معرفی میداشتند. مثلاً:

۱ - از افغانستان هراس دارند اگر جلومردم آن گرفته نشود شاید این مردم مجهز با گولک و فلاخن یا باچاقو و سوتو به زود ترین موقع کشور بیچاره و مظلوم انگلیس را اشغال و آنرا به خاکستر مبدل سازند.

۲ - تعیین حدود سرحدی، خود سرانه، یکطرفه، جابرانه و ظالمانه و تحمیلی دیورند نماینده خود را که در ۱۲ نومبر ۱۸۹۳ میلادی بر افغانستان تحمیل کرده بودند و از همان مرحله اول، مرد مان با احساس و حق بین جهان، آنرا غیر عادلانه و مخالف تمام مقررات حقوقی و بین المللی و انسانی میشناختند حتی امروز هم دانشمندان حقوقی و مردم بیغرض و منصف و صدها مؤسسه بین المللی که به نام ها و مقاصد مختلف و مخصوصاً به منظور حمایت از حقوق کشورهای ضعیف و کوچک و جلوگیری از تجاوز قدرت مندان تأسیس گردیده و هریکی بارها آنرا ظالمانه

و مخالف حق و عدالت اعلام کرده اند، متأسفانه امروز می‌خواهند به آن، چهره حقوقی بخشیده و آنرا به حق و قانونی بخوانند.

۳ - همینکه برتانیای قدرتمند قرون هیجده و نوزدهم، در اوایل قرن بیستم فهمید هند طلائى از دست میرود و دیگر بر آن حکومت نمیتوانند ولیدران قهرمان آزادیخواه هند شامل وطندوستانی می‌باشند که استعمال شده نمیتوانند و هر یک از آنها یک وجب خاک وطن خود را با میلیون پوند طلائى برابر نمیدانند و هم جوی طلائیکه از پنجمصد سال به اینطرف از آن زمین طلائى در کشور برتانیه کبیرجاری بود، در حالت خشکیدن است؛ برای اینکه ارتباطات در منطقه کامل قطع نگردد و عندالموقع در راه منافع خود کاری انجام داده و یا علیه همسایگان از آن به حیث خار بغل یا وسیله در دسر استفاده بتواند، با هزاران چال و نیرنگ و فریب، یکی از لیدران آزادیخواه هند و همکار صمیمی سایر زعمای مبارز آزادیخواهان هند محمدعلی جناح را با انواع دسایس و وعده‌ها مثلاً بخشیدن لقب قاید اعظم و شناختن بنیانگذار حکومت اسلامی جدید به نام پاکستان و دادن دیگر امتیازات و وعده و پشتیبانیهای بی دریغ در همه حالات مخصوصاً تشویق بعضی خوانین و روحانیون نا آگاه از سیاست و تحریک یک عده مردمان احساساتی و بیکار کوچک و بازار را جهت پشتیبانی و تقویه جناح، او را تشویق به تشکیل حکومت جداگانه کرده زمینهای اشغالی از افغانستان را که اشغالگران طبق مقررات بین المللی عند الخروج از هند بایستی آنها را به مالک اصلی اش مسترد سازند به او بخشیده کشور جدید را به نام جمهوری اسلامی پاکستان به وجود میاورند و با کمکهای بیدریغ خویش طوری تقویه میکنند که عندالضرورت بتواند از آن به شکل حربیه ای به ضد دشمنان خود در منطقه استفاده کنند که بر اساس همین پلان این کشور جدید تشکیل چند بار با هند دست و پنجه نرم ساخت تا زمینهای بنگله دیش را از دست داد همچنین با حمایت غیر علنی و زیر پرده انگلیس بر حسب عقده و عداوتهای قدیمی آنها با مردم افغانستان نیز آماد ه برخورد شد که به اثر میانجیگری برخی کشورهای اسلامی و دوست از برخورد جلوگیری به عمل آمد مخصوصاً بعد از تحمیل جنگهای سه دهه اخیر بر وطن ما که به اثر دسایس و مداخلات دشمنان صورت گرفته و تا هنوز ادامه دارد و پیش چشمان ملل متحد و شورای امنیت و حقوق بشر و سایر مؤسسات بین المللی، به اثر کشتار ظالمانه اشغالگران مانند آمدن هلاکوخان و چنگیز در قرن سیزدهم که به اثر مقاومت مردانه مردم افغانستان متجاوزین را چنان عصبانی ساخت که به قتل عام پرداخته از کشتار زنان و مردان پیرحتی اطفال لذت میبردند و به چنان قتل پرداختند که نه تنها حیوانات و پرندگان بلکه ملایک آسمان گریسته اند. بعد از آن همه قتل و خونریزی و تأمین امنیت موقتی و تعیین یکی از فامیل های خود به حیث حاکم به منظور عودت به وطن همینکه از رود آمو گذشت، مردم محلی افغانستان آن حاکم چنگیزی را کشته و خود حکومت را در دست گرفتند. با رسیدن این خبر به چنگیز، وی با عصبانیت فراوان از آمو دریا به سوی افغانستان برگشت و قسم یاد کرد، تا با خون این مردم سنگ آسیا را بحرکت نیندازد، بر نخواهد گشت که عندالورود در سرحد افغانستان همین جنایت و حشیانه رابا قساوت قلبی انجام داد، امروز عین همان کشتار ظالمانه توسط سپاه انگلیس و ایالات متحده امریکا، با وسایل مدرنتر به شکل ظالمانه تر و دور از عاطفه انسانی و قوانین بین المللی در افغانستان و سایر کشورهای اشغالی عملی میگردد. حتی مبارزینی را که پرچم سفید تسلیمی را بلند ساخته امان خواسته اند، بقتل رسانیده و مدفون کرده اند که کشتار سه هزار طالب تسلیم شده به قوای ایالات متحده امریکا در شمال افغانستان در دشت لیلی پیش چشمان صاحب منصبان و سربازان امریکا توسط دوستم جلااد و قوای آن صورت گرفت برای ملل متحد شورای امنیت و حقوق بشر، مخصوصاً دستگاه نظامی ایالات متحده امریکا که این جریان را می دیدند و حرفی در آن باره نگفتند، ننگ تاریخ است. شاید روزی قدرتی به وجود آمده حقایق را آشکار و جنایتکاران و مجرمین را یا شخصاً و یا در غیاب محکوم سازند. در سینه

تاریخ معاصر افغانستان ازینگونه واقعات جریانات و وحشی گریهای که متجاوزین و اشغالگران خارجی و جنایت کاران داخلی انجام داده اند بسیار زیاد ثبت میباشد که دیریا زود ظاهر شدنی است .

خون ناحق دست از دامان قاتل برداشت دیده باشی لکه های دامن قصا ب را

امروز طوریکه می بینیم متجا وزان موجود یعنی این چنگیزیان دوم هم همانگونه سوگند یاد کرده اند که تا با خون این مردم با شهامت که وطن، ناموس و بیرق را در میان بازوان و بر روی سینه محکم گرفته و تا جان در بدن دارند از آن به دفاع میپردازند، سنگ آسیا را نچرخانند جنگ را متوقف نمی سازند. به نظر این عاجز، قوای چنگیزی متجاوز بر افغانستان در همان لحظات اول تجاوز با خون این مدافعین قهرمان کشوریک آسیا نه بلکه چندین آسیا را به حرکت انداخته اند که هنوز هم شب و روز نه تنها این آسیا ها با خون کسانیکه به اثر گلوله باران سربازان و هواپیماهای امریکا و انگلیس کشته میشوند، می چرخد بلکه اطفال، زنان و سایر کشته شدگان را زیر آسیا سنگ گردان انداخته تجربه و تحقیق میکنند که از آن چگونه مواد تجارتي قابل عرضه در بازار ساخته می توانند.

همینکه این آسیا های گردان یک لحظه متوقف شود مانند آسیابانانی که در چنین مواقع به مقصد رسیدن گندم جدید، به آواز بلند صدا میکنند (آسیا پرچو، دلخالی) مایک کریستل قومندان قوای امریکا و سر قومنده اردوی ناتو ما نند آن آسیابانان صدامیکند "آسیا پرچو دلخالی" هواپیماها در غرش و پرواز و عساکر آماده خدمت به حرکت و فعالیت افتیده محافل عروسی یا مجالس عزاداری یا مساجد و غیره جا های محل تجمع مردم را بمباران میکنند همچنان عساکر شان در خانه های مردم اگر شب یا روز باشد داخل گردیده بر باشندگان آن به نام پناهگاه تروریستان گلوله باری کرده منطقه رابه خاک و خون میکشند بعداً اعلان میدارند جایگاه تروریستان هدف قرار گرفته همه کشته شدند. همینکه مردم منطقه و روزنامه نگاران و راپورتران آزاد اعلام میکنند که بین کشته شدگان یک طالب و تروریست وجود نداشته همه شامل زنان و اطفال و مردم عادی میباشد، آنگاه والی ولایت اولاً میگوید همه تروریستها بودند و اگر ببینند که داد و بیداد مردم و صدای روزنامه نگاران زیاد بلند شده که کشته شدگان همه شامل مردم ملکی زنان و اطفال میباشد آنوقت از روی مجبوری ترسیده و لرزیده اظهار میدارد بلی در بین تروریستهای کشته شده و یکی از سران مشهورشان بنام ملاکچل خان، یکی دو نفر ملکی و یک طفل هم موجود است، که جناب کرزی با اظهار تأسف هم به قوای ناتو و امریکا اخطار میدهد که دیگر چنین اعمال صورت نگیرد که قابل تحمل نیست و هم امر تحقیق میدهد که چگونه اشخاص و توسط کی کشته شده، مسؤل معرفی گردد. چند روز بعد جناب قومندان نظامی ایالات متحده امریکا با اظهار تأسف میفرماید سهو شده ما به هر یکی از خساره دیدگان و باز ماندگان کشته شده خساره یعنی پنجمصد تاهزار دالرمیبردازیم جناب قومندان نظامی امریکا و برتانیه و جناب کرزی و وزیر دفاع افغانستان و جناب عظیمی سخنگوی وزارت دفاع و والی منطقه یکی به سوی دیگر نگرسته خنده کنان میگویند پرچم های برتانیه و ایالات متحده امریکا همیشه بلند باد و پی کار خود میروند.

از آن جائیکه این اعمال ظالمانه تکرار و سروصداها زیاد بلند شده خشم و نفرت مردم داخل و خارج در حالت فزونی است و مردم با احساس اکثر کشور های بشردوست و باعاطفه اعضای ناتو هم متأثر گردیده انتقادات هم زیاد شده لهذا قومندان ناتو میخواهد تحت نام جلوگیری از نشر فعالیت طالبان این صداها ی به حق مردم را خاموش سازند درصدد اجرای این مرام ، به وزارت های دفاع، داخله، امنیت دولتی و کلتور و تمام رسانه های نشراتی داخلی و خارجی دستور داده اند که از انتشار اخبار مربوط به برخوردهای طالبان با قوای دولتی و ناتو جلوگیری شود که فعلاً در تطبیق این امر گرفتار اند .

برمیگردیم به اصل مطلب یعنی عامل این بدبختیها کیست؟ و منبع اصلی جنگ و جدال و لانه جاسوسی و تروریستی و فشار در کجا است؟

همانطوریکه در آغاز این مبحث متذکر گردیده وگفتم دستگاه ظالم انگلیس، کشور ساخته و بافته خود به نام پاکستان را که در زمین دیگران علیه مالک اصلی آن و منطقه به غرض استفاده خود، یا با چال و فریب و یا با تحمیل زور و فشار به وجود آوردند اینک بعد از پنجاه و چند سال باز آنرا قانونی و به حق معرفی میدارند میکوشند به تعقیب همان سیاست مداخله جویانه قدیم باز هم در کنار ایالات متحده آمریکا در منطقه بماند.

مردم و حکومت افغانستان از به وجود آمدن پاکستان به حیث برادر و همسایه نیک استقبال کرده، اما از اینکه آله دست دیگران و برای افغانستان خار بغل و در دسر شده گله دارند. در صورتیکه هر دو میتوانند به حیث همسایگان نیک و برادر بدون مفکوره سلطه جوئی بر یکدیگر در پهلوی هم به سر برده در خوشی و غم همدیگر شریک باشند، به عکس واضحاً میبینیم که در پشت پرده کشور پاکستان چه میگذرد و بر روی صحنه چگونه اشخاص، چه رولها را بازی میکنند؟ برادران پاکستانی ما خوابهای طلایی جنرال ضیاء الحق زمامدار سابق کشور خود درباره افغانستان و نتیجه معکوس آنرا که برایش بار آورد شاید فراموش نکرده باشند. بعد از آن، مداخلات بی نتیجه سه دهه اخیر و آرزوهای حکام بعدی را هم یقیناً به خاطر دارند که همه بیحاصل و نقش بر آب گشت، مداخلات کنونی زعمای فعلی نیز که تحت مقوای متنوع به نامها و اشکال مختلف بازی میشود هریکی از باشندگان افغانستان، اهل اداره و کار یا کسبه و مردم کوچ و بازار همه میدانند و می بینند که برادران پاکستانی ما چه آرزوها دارند و چگونه رولها را در منطقه به اشاره و توافق رهنمایان بازی میکنند. از یک طرف با اجازه دادن فعالیت به تروریستان مخالف ایران هند و افغانستان در داخل خاک خود رول ژاندارم منطقه را بازی میکنند، یعنی گهی هند، گهی افغانستان و گاهیگاهی هم ایران را تهدید کنند که شاید به همکاری حکمتیار بتوانند با اشغال یک قسمت از هند، کشمیر، افغانستان، تاجکستان و کشورهای شمال افغانستان خواب و خیال جناب ضیاء الحق حاکم اسبق خود را عملی و پاکستان کبیر را تشکیل دهند.

نقص در کجا است؟ ایالات متحده آمریکا که قدرت را از دست برتانیه گرفته و میخواید قدرت نمائی کند به اثر عدم آشنائی از منطقه، در راهی روان است که در پایانش ترکستان است. ازین گذشته متأسفانه در کنار آقای اوباما اینگونه نظریات و مردم وجود دارد:

اول :- یک عده کارکنان دستگاههای سیاه و سفید اجرائی، ملکی و نظامی آن که درباره افغانستان به مقایسه سایر کشورهای آسیائی مینگردند مرتکب اشتباه میگردند و وقتی متوجه اشتباه خود میشوند که متحمل تلفات سنگین شده اند، یعنی آن تجربه پنجم ساله انگلیس را که در منطقه دارند اینها فاقد آن بوده و وقت زیاد به کاراست تا مردمان هر کشور این قاره را طور لازم بشناسند. همچنان قومندانهای نظامی شان که پلانهای خود را درین کشور به اساس تجربه جنگ با عراق به امید موفقیت محاسبه میکنند مرتکب خبط بزرگی میگردند و به اثر همین اشتباه بعد از مبارزات خونین و قبول تلفات سنگین و انتقال تابوهای جنازه سربازان شان به داخل وطن شان قبول میکنند که حل معضله افغانستان از راه مبارزه جنگی ناممکن است باب مذاکره هم باید مفتوح باشد.

دوم :- در کنار دستگاههای استخباراتی و اجرائی امریکائی ها بعضی بادنجان دور قابهای که جز، بلی قربان، آما و صدقنا گفتن دیگر چیزی درباره تاریخ و تجربه از جریانات گذشته اوضاع و ایجابات کنونی وطن، روحیه مردم، کرکتر و خصلت و عرف و عادات اقوام مختلف معلومات ندارند، که اطلاعاتی بدهند. اگر چیزی می دانند، جرأت گفتن را ندارند زیرا پاسپورت آنها را در جیب داشته از اقسام نعمات آنکشور برخوردار میباشند.

سوم :- کسا نیکه تربیه شدگان همان درگاه پرفیض وبرکت امریکا وسوگند خوردگان برای منافع آن آب وخاک اند مانند آقای خلیل‌زاد، آقای جلالی و وزیرمالیه اسبق ودیگرچنین خس وخاشاک میباشند که جزدرنظرداشتن منافع ایالات متحده امریکا نه قدرت دفاع ازمفاد وطن ونه جرأت بیان مخالفت با آن حکومت ودستگاه را دارند.

چهارم :- حکومت پاکستان ساخته وبافته انگلیس، فعلا دوست محل اعتماد پنتاگون و آقای اوباما، ازیکطرف با ایران سرشورانده دست شا ترا می فشارد، ازجانب دیگربه مشوره دشمنان شان تروریستان جندالله وسایرمخالفین آنها را هم درخاک خود جا داده وهم اجاره فعالیت برای آنها میدهد وگاهگاهی یکی دونفرشانرا که مورد سوء ظن قراربگیرد جهت دل خوشی ایران گرفتار و به آنها می سپارند وعجب اینست درین کار آنقدرمهارت دارند که ازهر دو جانب باج هم می ستانند .

همچنین به ضد هند وافغانستان گروههای تروریستان شناخته شده مختلف را درخاک خود جا داده و از آنها عندالموقع به ضد هریکی ازین کشورها که خواسته باشد استفاده میکنند. گاهی اگر یکی از آنها خودسری و یا نافرمانی حکومت پاکستان را کنند درمقابل پول فراوان آنرا به دشمن وی می سپارند .

اخیراً شاید متوجه شده باشید ملا برادر و بعضی دیگررفقاء وهمکاران طالبان که در پاکستان آزادانه زندگی میکردند و دفتر استخباراتی پاکستان با هریکی از آنها درتماس بود همینکه پادشاه سعودی وحسنی مبارک رئیس حکومت مصربه مشوره انگلستان وایالات متحده امریکا خواستند به وسیله آنها با سران طالبان و القاعده درتماس واقع شده درباره یافتن راه حل معضله موجود افغانستان به مذاکره بپردازند حکومت پاکستان متوجه شد که مصر وعربستان در میان آمده و پاکستان ازصحنه بیرون می ماند فوری به گرفتاری آنها که نه کدام هنربود ونه پروبلم داشت با های های و داردارکه سر بازان پاکستان سران تروریستانی را که امریکا برای گرفتاری آن جوالهای دالر تعیین کرده بود، گرفتار کردند وبه امریکا چنان واضح ساختند که این ما هستیم درین منطقه هرچه خواهیم انجام میدیم. امریکائی ها که به این چالبازی ومداری گری ها بلدیت ندارند فوری به پاکستان وعده تادیبه هواپیماها وگلوله ها و دوملیارد دالر اضافی میدهد یعنی آنها را با اینگونه کمکهای نظامی درمقابل افغانستان وسایرکشورهای منطقه تقویه میکنند. از همان چالهائیکه سردار محمد داوود وسردارمحمدنعیم مرحومین علیه پاکستان به کار برده ازپشتونهای آزاده چنان حمایت واستفاده می کردند که زمام داران پاکستان خانه گریز می پالیدند امروزعکس آن درافغانستان عملی می گردد. جناب کرزی ازمقابل شدن با ایران وپاکستان خانه گریز جستجو میکنند. این نتیجه عدم آشنائی پنتاگون ازمنطقه، هوشیاری زمامداران پاکستان و نادانی سیاستمداران ما وغلامی شان به حکومت ایالات متحده امریکا میباشد .

اینکه امریکائیان میگویند ما افغانستان قوی وقدرتمند را آرزو داریم حقیقت ندارد بلکه همه کوشش شان برای ساختن پاکستان قوی به حیث ژاندارم منطقه میباشد که برفغانستان به وسایل ممکنه فشار وارد ساخته زن ومرد حتی اطفال را به انواع مختلف از زمین وهوا به قتل رسانیده هرچه آبادی است به خرابه مبدل میسازند، مردم را ازحکومت وحکومت را از مردم دورمیسازند، سفیر و دفتر سی آی ای و حاکم نظامی امریکا و برتانیه، والی ها وحکام محلی را خود شان بدون سلسله مراتب دیده پول و خلاف قوانین موضوعه هدایت، حتی صلاحیت میدهند لهذا آنها ازفرمان دولت سرباز می زنند وبه این ترتیب نظام حکومت را می پاشند. پولهایی که به نام کمک از یک راه وارد مملکت میسازند از راه دیگر به وسیله نمایندگان خود شان دوباره به خارج برمیگردانند و آن مبالغی که توسط زعمای افغانی خارج میگردد همه را می بینند ومیدانند اما حرفی بر زبان نمی آرند زیرا در بانکهای خود شان انتقال می یابد .

خلاصه، دردها بسیار است اگر خود مردم با بیداری و هوشیاری متوجه مادر وطن نشده و از راه ایجاد برادری و اتحاد، در یک راه روان نشده به تداوی درد ها و نجات وطن از بدبختیها نپردازند. این اشغالگران جز استفاده از منابع طبیعی ما جهت سعادت و آرامی مردم خود، به خرابی کشور و کشته شدن مردم و سوختن و خرابی ساختمانهای ما علاقه ندارند، میکوشند که باز هم خرابتر و مردم آن در فقر و بدبختی و گرسنگی زیادتیرنگهداشته شده و خود به آسوده حالی بهره برداری کنند.

جناب کرزی! نمایندگان مردم در پارلمان افغانستان!

متوجه باشید تربیه قوای نظامی افغانستان توسط پاکستان پلان زیر پرده انگلستان میباشد که بار دیگر این کشور آزاده را که شصت و سه سال قبل آخرین آثار استعمار انگلیس را که رانندگی عراده جات، مانند هند و پاکستان طرف چپ بود جناب غلام محمد فرهاد کابل شاروال در سال ۱۹۴۷ در زمان سلطنت محمد ظاهرشاه و صدارت شاه محمود خان به طرف راست تغییر داده از بین برد که دیگر آثاری از استعمار انگلیس درین کشور باقی نماند. اکنون تاجائیکه من فکر میکنم آنها میخواهند روحیه اردوی افغانی مانند روحیه سپاه پاکستان که تربیه یافته انگلیس و وابستگی غیر شعوری به پادشاه و پرچم انگلستان دارند بار آید یعنی اردوی افغانستان ازین روحیه بهره مند شوند. به عبارت دیگر فعالیت اساسی انگلیس درین است باید به هر اسم و رسمی که میشود کشور هائیکه در عرصه تاریخ گذشته به نام دومینیون یا تحت الحمایه یا امارت یا کلونی و دیگر اسم یا عنوانی که تحت مراقبت امپراتوری انگلستان بودند امروز هم از یک نقطه نظر باید همان وابستگی موجود باشد چنانچه اگر خوانندگان محترم شنیده باشند چند روز قبل دستگاه نشراتی بی بی سی، سی انگلیس در ضمن نشرات روزانه گفتند که هفتاد کشور آسیای و افریقای تحت نظر برتانیه بودند و امروز هم از بعضی جهات، به آن وابستگی دارند و چنان فهمیده شد که افغانستان نیز در آن جمله محسوب گردیده بود. به شهادت تمام مردم جهان شرق و غرب، شمال و جنوب، مردم افغانستان در تمام ادوار تاریخ زندگی سیاسی خود اسارت را نپذیرفته همیشه با اشغالگران و مهاجمان در مبارزه و پیکار بوده مخصوصاً بعد از تاریخ اشغال هند توسط امپراتوری بریتانیای کبیر که با کشور ما هم مرز گردیده در تلاش اشغال افغانستان و پیوستن آن به هند شده که مردم ما در راه دفاع از استقلال و تمامیت ارضی خویش با آنها که قدرت تسخیرناپذیر و بدون غروب نام داشت همیشه در پیکار بوده و چنان دست و پنجه نرم ساخته که سه بار همان قدرت را از کشور بیرون انداخته و با سر بلند به زندگی آزاد پرداخته اند. اگر گاهی اشغال شده اند به زود ترین موقع از برکت فداکاری و سربازی فرزندان قهرمان ما نجات یافته اند. به جرأت میتوان گفت این قتال و خونریزی و روزهای سیاه و بیچارگی و بدبختیهای کنونی کشور و مردم ما همه محصول همان کینه و کدورتها و رویا رویی های قدیمی میباشد. درخت شب و روز به بارگاه کبریائی ازین مینالد که دسته تبر یکی از شاخه های خودم میباشد. فغان این کشور نیز از کسانی است که قدرت را به دست گرفته و مطابق دهل دشمنان اتن می اندازند. شما صدای وطن دوستان واقعی را بشنوید که چه میگویند؟ فریاد شان اینست: اگر دیگر چیزی نمیتوانید آواز تان را در دنیای بشریت بلند بسازید. این صداها بی تاثیر نبوده مردم آزاده و زمام داران با احساس کشور های بیطرف و بشردوست مانند مردمان هالند، جاپان، ایتالیا، آلمان و بعضی کشورهای دیگر را اینگونه اعمال ظالمانه و وحشیانه و غیر قابل قبول بشری و لویابند در پیمانها و همبستگی های سیاسی ناتو و غیره باشند، آرام نمیگذارد و صدای مخالفانه و بشردوستانه و منصفانه آنها را علیه دولتهای شان بلند میسازد.

هموطن عزیز! با هو شیاری و دیدگان باز متوجه مادر وطن باش که در میان گرگان درنده داخلی و خارجی طوری گرفتار آمده که هریکی میخوانند حصه ببرند ، او با نا امیدی و چشمان نگران و تاتر بار به سوی هریکی از ما وشما مینگرد، امید و تکیه گاهش تنها من و تو میباشیم.

متأسفانه چشمان بعضی خواهران و برادران جوان ما را ماهانه ده هزار دالر طوری گرفته که غیر از همان دیگر به هیچ چیزی متوجه نیستند. از اسارت وطن، غلامی هموطن، بربادی ناموس، طلاق دادن همسر، بی ناموسی در حق خواهر و مادر، کشته شدن زنان و مردان و اطفال بیگناه و مشتعل شدن آتش سوزان در منازل خواهران و برادران شان وزیر پاشدن بیرق، خنده کنان میگذرند و نمیدانند که عوض این ماهانه ده هزار دالر هزاران وطندارش کشته و وطنش در قید استعمار جدید قدرتمندان قرار میگیرد. عجب تر اینکه این مجنونان ماه ده هزار دالر باسر بلند می گویند این لطف و کمک خداوند برای ما است. این ساده دلان کور مغز فهمیده نمیتوانند که اشغال گران در عوض این پول از آنها چگونه استفاده میکنند این جوانان بیخرد پاک دل متوجه خدمت خود در برابر این پول ناچیز نشده اند، درک نمی توانند که این گرگان درنده برای چه هدف و مقصد و منظور این وجه را میپردازند؟ اینها نمیدانند که در جنگهای استقلال افغانستان و دفاع از خاک وطن، در مقابل مهاجمان و اشغالگران انگلیس، زنان و دختران جوان، در جبهات گرم جنگ به مبارزان، نان و آب میرسانیدند و هزاران شان در لاش کوه های بلند و یا در میان دره های پر پیچ و خم به شهادت رسیده اند. این مبارزان به پول، تحفه، بخشش، دالر، پوند، کدالر، وریال، یا رتبه و مقام تف انداخته مرگ در جبهات جنگ به منظور دفاع از وطن را ترجیح میدادند و از تسلیم شدن به دشمن و یا اجرای خدمت به آنها ننگ داشتند.

از جوانان ساده دل گله کردیم نمیدانم به زمام دار، وزراء، نمایندگان مردم در مجالس شورای ملی و مشرانو جرگه، سفراء و جنرالان و دیگر مامورین بلند رتبه این کشور که اکثرشان چنین مقام و معاش را در خواب هم نمی دیدند، امروز به دست آورده برای اینکه خدانخواستہ از دست نرود مانند گوسفندان قربانی، گردن نهاده چشمان دید و زبان گفتارشان به مقابل این ظلم و استبداد، تجاوز بر نوامیس، گشتار، خرابی آشکار و بی قانونی صریح متجاوزان و قوتهای خارجی که مدعی هستند جهت تأمین صلح و برقراری امنیت آمده چنین جنایات انجام میدهند کورو گنگ است چه اسمی بگذاریم و بکدام جا و نزد کدام قدرتی شکایت ببریم؟

خدا یاب به بارگاه تو پناه می آوریم

نا آشنائی ایالات متحده امریکا از اوضاع روحیه مردم، عرف و عادات افغانستان و کم توجهی در این موضوعات منعکس کننده جریانات اخیر بوده و برخورد رئیس دولت افغانستان را بار آورده که شاید این آغاز باشد و یقین داریم آینده ناگوارتر را در عقب داشته باشد. به جرأت میگویم مشوره های ناسنجیده و سطحی نگری آقای خلیل زاد و امثال وی درباره افغانستان به زمام داران سابق و حال بیخبر از وضع این سرزمین افسانه ئی و روحیه مردم آن، این حالت را بار آورده اگر مشاوران باز هم همینها باشند آینده را بدتر از امروز و تکانه های بعدی را برای امریکائیان شاید شدید و خطرناکتر از جریا نات ویتنام میبینم. اگر خلیل زاده در همان مرحله اول از نیرو و قدرت معنوی "بابای" ملت محمد ظاهر شاه استفاده کرده و علیه آن به فعالیت نمی پرداخت و دست آن مرد وطن و مردم شناس را آزاد میگذاشت و به وی موقع میداد که تکنوکراتهای آزموده و کهنه کار را در کنار خود جمع و با همکاری جوانان تازه کار چرخهای کهنه و از کار افتاده حکومتی را دوباره به حرکت می انداختند امروز کهنه کاران از صحنه کنار رفته و جوانان، مسؤولیت را به دست گرفته و افغانستان با حیثیت ملی و بین المللی بار دیگر به حرکت و فعالیت آغاز میکرد و مانند امروز بعد از ده سال فعالیت ناکام و صرف میلیاردها دالر و کشته شدن هزاران انسان بی گناه، طوریکه بعضی منابع

نشراتی میگویند آقای ابامامجور نمیگردید که دست بسوی مصطفی ظاهر نوه بی تجربه و تازه کار همان بابای ملت دراز کرده و از وی کمک بخواهد. آیا گناه این به دوش خلیزادها و سیرت ها نیست؟! برای من تعجب آور این بود، درین مرحله که تمام دستگاه حکومت موجود افغانستان را از بالا تا پایان مردمان کم تجربه، نا آشنا به امور مملکتداری که جز قدرت نمائی و منافع شخصی و کمک به فامیل و جمع آوری ثروت و بیخبر از حال و روزگار مردم و مملکت به دست گرفته، سایر دستگاه های اداره کننده و روزی رساننده دولت و ملت متحد و بعضی کشورهای خارجی و یکعده نمایندگان پارلمان و سنا و بعضی والیها علیه "آقای کرزی" به فعالیت آغاز کرده اند ایشان رول قهرمان ملی شدن را بازی کرده با بیان حقایق، از چهره های درندگان و دشمنان وطن، مقوا های شان را برداشته همه را مخالف کرامت انسانی و استقلال و منافع ملی و... و... گفته و ادامه فعالیت شان را به صورت موجود، بی لزوم و هم یکعده اعضای پارلمان و سنا را آله دست بیگانگان و علیه کشور معرفی داشته مخصوصاً کمیسیون انتخابات وطن خود را که متشکل از سه عضو خارجی و یک عضو افغانی میباشد شرم آور و غیر قابل تحمل خوانده من سلام میفرستم اما این تلاش ها را بیهوده و بیوقت میدانم. یکاش این عکس العمل را سه یا چهار سال قبل انجام میداد باز هم با وجودی که بعضی برادران این را چال و بازی جدید اشغالگران می دانند اما من شخصاً آن حرکت را که عین صدای به حق مردم میباشد که بلند ساخته و در برابر حرکت موهن اباما عکس العمل نشان داده و خاموش مانده بی ارزش نمیدانم. بار دیگر مفهوم مطلب را تأیید اما جنون آقای کرزی را مبهم و گیج کننده می یابم اما از دل و جان برایش تبریک میگویم و توفیق میخوام.

واما آقای عبد الله عبدالله

حیف هزاران حیف اگر خاموش می بودند با ارزش تر ازین صدا بود. به نظر من که خدا کند اشتباه کرده باشم، برای اینکه از صحنه دور مانده و اظهار وجود کرده و هم خارجی ها را بفهماند که من با شما هستم و شما مرا در نظر داشته باشید طی مصاحبه مطبوعاتی با هیاهو و برکزی و بیانات وی سخت تاخته و آنرا مخالف منافع ملی معرفی و گفته ما بدون قوای خارجی زندگی نمیتوانیم و بیانات کرزی برای افغانستان عواقب خطرناک داشته و ما از آن دفاع نمیکنیم.

جناب عبد الله عبدالله! به عقیده من متن همین گفتار جناب کرزی عین صدای بسی وطندوستان میباشد. اینکه شما با آن موافق نیستید امر جداگانه و مربوط به خود شما است.

هموطن گرانقدر مهربان!

در اخیر میخوام بگویم ما میدانیم این گفتارها در نزد آنهاست که بر اساس پلانیهای بزرگ و روحیه حاکمیت بر افغانستان کار میکنند خنده آور بوده و پلان خود را پیش میبرند.

اما تذکر این مطلب را ناگفته نمیگذارم تمام این بدبختیها، خرابی و کشتار، بر طبق پلانیهای مرتب قدرتمندان و استعمار نوین در کشورهای دارای منابع طبیعی و رو به انکشاف که مردم آن مقاومت کنند واقع شدنی، اتحاد و همبستگی مردم، مقاومت را شکستی است. اما جابری و قدرتمندان جهان و حکمرانان ظالم و بی عاطفه بدانند جلوگیری از حوادث طبیعی کمر آنها را شکستی است. والسلام

یادداشت:

پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" ضمن ادای احترام خدمت آقای "رنا" با صراحت و وضاحت کامل ابراز می دارد که با بخشی از استنتاجات ایشان به علاوه آنکه موافق نیست به شدت هم مخالف می باشد. پورتال معتقد است که افغانستان در اشغال کامل نیرو های امپریالیستی قرار دارد. در چنین حالت، هر فرد خواه ظاهر شاه باشد،

خواه کرزی و یا کدام شخص دیگر یک دست نشانده محسوب شده و محکوم تاریخ می گردد. به خصوص نقش ظاهر پادشاه مخلوع افغانستان بعد از سکوت ننگین خودش و فامیلش در قبال تجاوز شوروی و همراهی با تانکهای ناتو حین اشغال افغانستان لکه ننگ دیگریست بر دامن آن خانواده که هیچ گاهی تاریخ آنرا فراموش نخواهد کرد. پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" از مبارزه مردم کشور برای آزادی وطن قاطعانه حمایت می کند.

اداره پورتال AA-AA